

## تجربه برنامه ریزی فرهنگی

جهان امروز، جهان سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی است

گزارش جلسه سوم

گزارشگر سارا

مقدمه:

در گزارش شماره یک برایتان نوشتم که قبل از برگزاری کارگاه‌های تجربی برنامه ریزی فرهنگی جلساتی با همین عنوان از یکسال قبل در دفتر آینده پژوهی تحولات فرهنگی و اجتماعی با عنوان تجربه برنامه ریزی فرهنگی برگزار می‌شد که طرح مباحث این جلسات به قلم منشی جلسه که خودم هستم خالی از لطف نیست. در این گزارش سعی شده بود اسامی و سمت‌ها و مدارک دانشگاهی افراد طرح نشود تا توجه مخاطب بیش از پیش به محتوای مطالب جلب شود و نه گویندگان آن. جلسه اول با موضوع برنامه فرهنگی برای نسل ایکس برگزار شد. بهترین کار در هر برنامه فرهنگی در نظر گرفتن چرخه زندگی است. نظریه چرخه زندگی در علوم اجتماعی و حتی در اقتصاد مد نظر قرار گرفته است. تفاوت‌های سنی افراد اولین تمایز آشکار در هر دوره از زندگی ما می‌باشد. برخی تجربه‌های زندگی بصورت عمومی در هر دوره سنی در هر جامعه‌ای قابل پیش‌بینی است و تکرار می‌شود. برخی نیز تجربه‌های منحصر به فرد در یک نسل است و تکرار ناشدنی هستند. پس ما در برنامه فرهنگی برای نسل ایکس به دوره‌های زندگی و تجربه‌های تکرار شدنی و تکرار ناشدنی روبرو هستیم. محسن گفت در برنامه‌های فرهنگی باید به تجربه‌های منحصر به فرد نسل‌ها؛ بیش از تجربه‌های تکرار پذیر توجه نمود.

در جلسه دوم موضوع همچنان تدوین برنامه فرهنگی برای نسل ایکس بود. ما می‌توانیم فرهنگ را معرفت مشترک بین مردمان تعریف کنیم. یعنی اشتراک افراد در باورها و ارزش‌ها و رفتارها و احساسات مهم است. برای برنامه ریزی نسل ایکس باید ابتدا اشتراکات فرهنگی هر نسل را استخراج کنیم و داشته‌های مشترک را ثبت و ذخیره نماییم.

نسل یا گروه سنی جوان معمولاً در مرحله اجتماعی شدن و یا فرهنگ پذیری هستند و از طریق تعامل با نهادهای اجتماعی و شبکه اجتماعی مانند خانواده و دوستان و متأثر از شرایط و محیط شکل می گیرند....

اینک جلسه سوم:

در جلسه سوم محسن اشاره کرد که برای برنامه ریزی فرهنگی لازم است انسان ها را در شبکه‌ای از روابط اجتماعی که زندگی می کنند و بطور مستقیم یا غیر مستقیم به سایر مردم می پیوندند در نظر بگیریم. مهمترین عناصر ساخت اجتماعی که انسان ها را به یکدیگر متصل می کند عبارتند از پایگاه‌ها، نقش‌ها، گروه‌ها و نهادها. منظور از پایگاه‌ها، تأکید موقعیت افراد در جامعه است و گروه‌ها، مجموعه افرادی از جامعه هستند که به شیوه منظم و براساس انتظارات مشترک درباره رفتار یکدیگر با هم در کنش متقابل به سر می‌برند و نهاد (institution) ، مجموعه ثابتی از ارزش‌ها، هنجارها، پایگاه‌ها، نقش‌ها و گروه‌هایی هستند که حول محور یک نیاز اجتماعی و اساسی بوجود می آیند.

مسعود گفت: نهادها عرصه مسائل اجتماعی عمده می‌باشند و در مقابل دگرگونی مقاومت کرده و به آهستگی تغییر می‌یابند. انسان‌ها همیشه گرایش به اجتماعی بودن داشته و علاقمندند با دیگر افراد هم نوع خویش همزیستی کنند تا ضمن هم‌افزایی نیروها و افکارشان امکان رفاه و امنیت بیشتر داشته باشند و از طریق گروه اجتماعی از یکدیگر حمایت و همکاری نمایند.

محمد گفت: دسته‌ها و گروه‌های کوچک انسانی در آغاز برپایه شکار و گردآوری غذا استوار بود و امکان همکاری، سهیم شدن و رفتار دیگرخواهانه برای آنها را فراهم می‌کرد. حدوداً از ۱۵۰۰۰ سال پیش در خاورمیانه و ۱۲۰۰۰ سال پیش در اروپا دامنه شکار حیوانات بزرگ کاهش یافت و بتدریج توجه انسان به سمت انواع حیوانات کوچک جثه مثل ماهی‌ها و استفاده از انواع گیاهان سوق یافت و سرانجام به تولید خوراک منجر شد. تجربه‌های اولیه تولید خوراک در خاورمیانه (ایران، عراق، ترکیه، سوریه و اردن)، آنها را نخستین کشاورزان و شبانان کره زمین نمود و در ۵۵۰۰ سال پیش کشاورزی به دشت‌های آبرفتی بین رودخانه دجله و فرات گسترش یافت و مردم بین‌النهرین اولین شهرک‌های محصور برای زندگی را ساختند. با گذشت زمان اقتصادهای مردم خاورمیانه بیش از پیش تخصصی شد و با افزایش جمعیت و مهاجرت به کمک فنون آبیاری کشاورزی در سرزمین‌های پست و

خشک بین‌النهرین جنوبی امکان‌پذیر شد و اقتصاد تجاری باعث رشد جامعه و تشکیل اولین حکومت به عنوان یک واحد اجتماعی و سیاسی گردید. تولید خوراک که از خاورمیانه آغاز شده بود در هفت منطقه دیگر جهان که از یکدیگر مستقل بودند بتدریج ادامه یافت و اشاعه محصولات کشاورزی و داد و ستد و تبادل افکار در شمال آفریقا و اروپا و هند و پاکستان و مصر و چین گسترش یافت و به تشکیل تمدن‌های اولیه انجامید. پیدایش تمدن‌ها و دولت‌های اولیه با نوعی تقسیم کار همراه بود بطوریکه نظام اجتماعی و سیاسی پیچیده‌تری را شکل بخشید.

مینا گفت: دولت‌ها به خدمات کشاورزان، تجار، صنعتگران، ریاضی‌دان‌ها، هنرمندان، منجمان، روحانیان و حکام نیاز داشتند به این ترتیب مردم به گروه‌ها و طبقات گوناگون تقسیم شدند. از نقش‌های اساسی دولت‌ها تنظیم امور اقتصادی، تنظیم روابط میان افراد و گروه‌ها، تأمین نیازهای معیشتی، امنیت غذایی و ساخت انبارهای مرکزی برای ذخیره مواد خوراکی، حفظ نظم و حفاظت از جامعه در برابر بیگانگان بود. توانایی تفکر و دوراندیشی انسان‌ها و توانایی بی‌همتای انسان‌ها در یادگیری، بزودی موجب پدید آمدن ظرفیت‌های فرهنگی آنها شد و کاربرد نمادها در گفتار و زبان و خط و تحریر و تثبیت و ضبط و انتقال اطلاعات و تجربیات و بازشناسی هویتی و شکل‌گیری جهان‌بینی و عقیده و تفسیر از اهداف خلقت، جهان و روابط میان اجزاء جهان و راه‌اندازی نظام معانی برای شناسایی جهان و بیان احساسات و دستورالعمل و قواعد رفتاری و آموزش یافته‌ها به کودکان بصورت نهاد فرهنگی متشکل از ارزش‌ها و هنجارها و پایگاه‌ها و نقش‌ها تشکیل یافت.

من گفتم: همچنین تقسیم کار و تعیین وظایف و تشخیص نیازهای مادی زندگی نیز نهاد اقتصادی جوامع را پدید آورد و بتدریج هر یک از جوامع انسانی متشکل از نهادهای اصلی و مهمی بود که به یکی از نیازهای اجتماعی و اساسی افراد آن جامعه پاسخ می‌داد. اولین نوع گروه‌های انسانی، گروه‌های قومی بود که براساس خانواده، خویشاوندی، تبار مشترک و زمینه مشترک در باورها، ارزش‌ها، رسوم و هنجارها خود را مجزا از دیگر گروه‌ها می‌دانستند، اما با پدید آمدن دهکده‌ها و شهرک‌ها و بزرگ شدن شهرها و کشورها افراد تنها یک هویت قومی ندارند بلکه در گروه‌های محلی، مدرسه‌ای، شهری، منطقه‌ای، دینی، جنسی، حرفه‌ای و انواع دگرگونی گروه‌های ذینفع تعلق دارند.

محسن گفت باید اشاره کنیم که بعضی گروه‌ها در اقلیت و بعضی در اکثریت قرار می‌گیرند و از لحاظ اقتدار، قدرت و منزلت متفاوت می‌شوند. با گسترش روابط انسانی، جوامع بصورت ملت و دولت نام برده شدند و ملت در

اصطلاح به همه افرادی اطلاق می‌شود که فرهنگ مشترک، زبان، دین، تاریخ، سرزمین، نیاکان و یک واحد سیاسی مستقل و متمرکز را تشکیل داده‌اند. از سوی دیگر جوامع انسانی که ابتدا از گروه‌های اولیه کوچک برخوردار بودند، پس از گسترش بصورت ملت و دولت، برای دستیابی به اهداف خاص، گروه‌های ثانویه بزرگی را طرح‌ریزی نمودند که بطور ارادی و منطقی تشکیل می‌شوند و دارای ساخت دقیقاً طراحی شده و تعیین نقش‌ها و وظایف و روابط مشخص بین پایگاه‌های رسمی افراد و فعالیت‌های هماهنگ اعضا هستند. این گروه‌های ثانویه را سازمان رسمی (Formal organization) نام نهادند.

مسعود گفت: در واقع تشکیل سازمان‌های رسمی از سیستم اجتماعی انسان‌ها تقلید و نمونه‌برداری شده بود. انسان‌ها در زندگی اجتماعی این نکته اساسی را درک کردند که همه جامعه دارای افرادی هستند که از طریق تقسیم کار معین و وظایف و نقش‌های تعیین شده و در پایگاه‌ها و موقعیت‌های تعریف شده دارای روابط هماهنگ برای انجام فعالیت و اهداف مشخص همکاری می‌نمایند و یک مجموعه بعنوان یک کل در نظر گرفته می‌شود که تأمین هدف‌ها را آسان‌تر و روان‌تر می‌سازد.

من گفتم: پس انسان‌ها مفهوم سیستم را درک نمودند و آنرا در حوزه اقتصاد، سیاست، ارتباطات، حمل و نقل و... بکار گرفتند. سیستم مجموعه‌ای از اجزاء است که روابط منظم و متقابل با یکدیگر داشته و هدف و کارکرد واحدی را ایفا می‌کند بطوریکه تغییر در هر یک از اجزاء به تغییر در کل مجموعه منجر می‌گردد.

محسن گفت: سازمان (organization) پدیده‌ای اجتماعی است که بطور آگاهانه هماهنگ شده و دارای حدود و ثغور نسبتاً مشخصی بوده و برای تحقق هدف یا اهدافی، براساس یک سلسله مبانی دائمی فعالیت می‌کند. سازمان‌ها برای انجام اموری بوجود آمده‌اند که دستیابی به آنها توسط یک فرد به تنهایی امکان‌پذیر نیست و انجام آن از طریق سازمان اثربخش‌تر است. سازمان‌های دست‌ساخته انسان بسیارند، تا آنجا که عصر امروز را عصر سازمان‌ها و جهان سازمانی نیز نام نهاده‌اند و گفته‌اند در عصر سازمان‌ها انسان از تولد تا پایان زندگی در درون سازمان‌های متنوع و کوچک و بزرگ زندگی می‌نماید. از بیمارستان در زمان تولد تا مدرسه و دانشگاه، تا سازمان‌های نظامی و سازمان‌های دولتی و خصوصی همگی وظایف مهمی در جهت تحقق اهداف اجتماعی بعهدہ دارند. سازمان‌های معاصر، قدرتی عظیم و اجتماعی پدید آورده‌اند که با گذشته قابل مقایسه نیست. بدین ترتیب شناخت سازمان‌ها و وظایف آنها توجه بخش مهمی از اندیشمندان علوم انسانی را به خود جلب کرده است. امروزه بخش بزرگی از انسان

ها در شهرها زندگی می‌کنند و شهرها بعنوان یک واقعیت بیرونی و تأثیرگذار، خود را به سایر واقعیت‌های اجتماعی تحمیل می‌نماید. شهر نوعی خاص از سازمان یافتگی زندگی اجتماعی در انطباق با فضا تلقی می‌شود و عناصر سازمان همچون تقسیم کار اجتماعی و روابط انسانی و اهداف در آن قابل مشاهده است.

سازمان‌ها بعنوان دست ساخته‌های انسانی و به مثابه واقعیتی انسانی و اجتماعی مورد توجه انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان قرار گرفته‌اند و سازمان‌ها بعنوان گروه‌های ثانوی اجتماعی که مجموعه‌ای از عملکردها و روابط و عادات مشترک را دارا هستند مورد مطالعه اندیشمندان قرار گرفته‌اند. همه جوامع فقط انبوه گردآمده‌ای از افراد نیستند بلکه سازمان و نظامی (سیستمی) به منزله یک کل هستند و از اجزاء (افراد) و قطعات (پایگاه‌ها و طبقات) تشکیل شده‌اند که هر یک از اجزاء با تمامی اجزاء دیگر ارتباط دارد. هر جامعه بعنوان یک سیستم به زیرسیستم‌های دیگر تقسیم می‌شود که آنها نیز نوعی سازمان محسوب می‌شوند و این زیرسیستم‌ها و سیستم اصلی با یکدیگر در تعامل‌اند. سازمان معیشتی، سازمان فرهنگی، سازمان دفاعی، سازمان آموزشی و انواع سازمان‌های دیگر سیستم‌های زیر مجموعه جامعه محسوب می‌شوند. تحول جدیدی در دهه‌های اخیر روی داده و سازمان‌ها را که در قرن نوزدهم و بیستم به سمت سازمان‌های مستقل و منفک از اجتماع تعریف می‌کرد، به سوی توجه به مسائل عمومی مردم و جوامع تحت فشار قرار داده است. تا چند دهه قبل سازمان تجاری بعنوان یک موسسه اقتصادی با مسئولیت‌های اقتصادی مستقل تلقی می‌شد و وظیفه آن شامل ارائه خدمات به مشتریان و پرداخت سهامداران بود. اما امروزه فعالیت‌های سازمان با ملاحظه منافع عمومی مردم گره خورده است و قواعد جدید اجتماعی برای سازمان‌ها ترسیم شده است. جامعه یک سیستم کل است و سازمان‌ها، موسسات مستقل از اجتماع نیستند و بایستی هماهنگ با سیستم کل عمل نمایند. موضوعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در محیط خارج از سازمان مورد توجه قرار گرفته است و سازمان، سیستمی باز است که بیشترین ارتباط را با جامعه دارد و مرز میان سازمان و محیط بیرونی تضعیف و نقش فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن‌ها مهم شده است.

محمد گفت: تصمیم‌گیری در سازمان‌ها نیازمند در نظر گرفتن منافع عمومی و ملاحظه محیط بیرونی سازمان است. گسترش رسانه‌های جمعی نقش مؤثری در رشد و شکل‌گیری نگرش‌های جدید داشته است و عملکرد سازمان‌ها بصورت شفاف در معرض دید عموم قرار دارد و چشم‌پوشی از روندهای ارزشی، اجتماعی و سیاسی برای سازمان‌ها پر هزینه خواهد بود.

محسن ادامه داد: جهان امروز، جهان سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی است و از طریق این سازمان دهی است که کنار آمدن و کنار آمدن با دیگران برای رسیدن به اهداف امکان پذیر می‌شود. سبک زندگی پویا و پویا و زیبای سازمان‌ها و گروه‌ها است که بر روی شبکه سازمانی دقیق اجتماعی کشیده می‌شود. به همین دلیل هرگونه برنامه ریزی برای سبک سازی نیازمند مهندسی و سازماندهی اجتماعی و شناخت افراد و گروه‌ها و دسته بندی آنهاست. فضای مجازی بستر مناسبی برای سازماندهی و دسته بندی بوجود آورده و رویکرد شبکه‌ای جهان ما را بدین روش اداره خواهد کرد. در سبک زندگی سازمان‌هایی نیز وجود دارند که از طرق ذهن سازی و عینیت بخشیدن به آرمان‌ها و اهداف افراد و گروه‌ها آنها را در دسته بندی هویتی شناسایی و با ارائه الگوهای رفتاری به سازماندهی و اداره جوامع یاری می‌رسانند.

من گفتم: در مورد دیدگاه شما نظراتی دارم که فعلا چون جلسه طولانی شده است بهتر است ادامه بحث را به جلسه بعد موکول کنیم.

بقیه اعضاء جلسه نیز موافقت کردند و قرار شد بحث را در جلسه بعد ادامه دهیم.

گزارشی بود از: دفتر آینده پژوهی تحولات فرهنگی و اجتماعی